



دوباره از سر تنوا!

شده دلت بخواهد صفحه‌ی خط‌خورده‌ی دفترت را رها کنی و بروی صفحه‌ی بعد و از اوّل شروع کنی قشنگ و خوش‌خط و باحوصله بنویسی؟

شده برای انجام کاری که نصفه‌نیمه رهایش کرده‌ای، برنامه‌ریزی کنی و تصمیم بگیری از اوّل هفته آن را منظم انجام بدهی؟ یا همه‌ی خرت‌وپرت‌های کیف، میز یا کمدت را بریزی بیرون و دوباره از سر نو همه را مرتب بچینی و حس کنی الآن آماده‌ی شروع یک کار تازه‌ای؟

خب تو تنها کسی نیستی که به شروع دوباره نیاز دارد. همه‌ی آدم‌ها در طول تاریخ دلشان می‌خواستند فرصت داشته باشند تا اشتباهاتشان را اصلاح کنند، به کارهای تازه فکر کنند و تصمیم بگیرند که از اوّل شروع کنند. اجداد باهوش ما اسم جشن سال نو را نوروز گذاشتند؛ یعنی روزی که همه‌چیز نو می‌شود و تازه بهترین وقت را هم برای این شروع انتخاب کرده‌اند: اوّل بهارا یعنی وقتی انگار زمین هم از نو نفس می‌کشد و زنده می‌شود. درخت‌ها جوانه می‌زنند، پرستوها دوباره برمی‌گردند تا لانه بسازند و رودهای یخ‌زده دوباره حرکت می‌کنند. انگار دنیا به روز اوّل آفرینش برمی‌گردد. می‌بینی؟ آن‌ها یک چیز قشنگ برای ما به یادگار گذاشته‌اند: قشنگ‌ترین جشن برای شروع سال نو. بهترین وقت برای تازه شدن، تغییر کردن و شروع تازه.

مرجان فولادوند

• تصویرگر: مهدیه صفائی‌نیا

